

آیا مردم آخر الزمان

رامی شناسید؟



مؤلف : غلامرضا خاتمی



آیا مردم

آخر الزمان

رامی شناسید



سرشناسه	حاتمی، غلامرضا، ۱۳۱۶ .
عنوان و نام پدیدآور	آیا مردم آخر الزمان را می شناسید / مولف غلامرضا حاتمی.
مشخصات نشر	مشهد: الماس شرق ، ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری	۳۹ ص.:
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۳۲۹-۵۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه : ص. ۳۵ - ۳۷ .
موضوع	آخر الزمان - احادیث .
رده بندی کنگره	۱۳۸۹ ح ۲ / ۱۴۱ / ۵BP
رده بندی دیویی	۲۹۷ / ۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی	۲۹۹۲۰۱۲

آیا مردم آخر الزمان را می شناسید

مؤلف	: غلامرضا حاتمی
تلفن های مؤلف	: ۰۹۱۵۳۰۳۲۲۳۶ - ۲۲۲۱۱۵۵
عنوان	: آیا مردم آخر الزمان را می شناسید
طراح جلد	: نصیبه سجادی
نوبت چاپ	: اول / ۱۳۸۹
شمارگان	: ۳۰۰۰ / جیبی
چاپخانه	: مؤسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۲۹-۵۶-۸
ناشر	: الماس شرق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ ﴾



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ
الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى الْإِمَامِ
التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَ حُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ
الْثَرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَوةً كَثِيرَةً تَامَّةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً
مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

بزرگانی از علمای شیعه توصیه کرده اند که برای سلامتی و
فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه
حداقل روزی صد مرتبه ذکر شریف :

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ »
را قرائت نمایند

دُعَاءِ حَضْرَتِ مَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ
الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْأَسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ أَسْنِنَنَا بِالصَّوَابِ وَ
الْحِكْمَةَ وَ أَمَلْنَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ
الشُّبُهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ
الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ
عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ
عَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةَ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ
بِالشُّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا
بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ
بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ
بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الْأُمَرَاءِ
بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ وَ بَارِكْ
لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّقْفَةِ وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ
الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ))

(مفاتيح)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردم آخرالزمان

پیش از آنکه به نقل نشانه های مردم آخرالزمان شروع کنیم، نکته ای را یادآور می شویم:

ما مردم عصر حاضر که عصر خود را دوران مشعشع طلایی، عصر تسخیر فضا، قرن شکافتن اتم، عصر شکوفایی علوم، دوران ایمان به ارزشها و معیارها، و زمان سپری شدن ضد ارزشها می دانیم و می نامیم، بر ماست که واقعیتها را بپذیریم، از پذیرش حقایق سر نتابیم، آنچه را که بر سر انسان در کشاکش دوران آمده است، بپذیریم و باور کنیم.

تا جائیکه ما اطلاع داریم هیچ امت و ملتی در وادی ضلالت گام نسپرده، جز اینکه با یک فاجعه آسمانی یا زمینی رهسپار دیار نیستی شده است.

ما این مطلب را منحصرأ از پیامبران نیاموخته ایم، بلکه صفحات تاریخ انسانها نیز شاهد این گفتار است. اگر صفحات تاریخ را ورق بزنیم با تمدنهای فراوانی در گذشته



آشنا می شویم که روزگاری بر منطقه پهناوری درخشیده، ولی هنگامی که از ناموس فطرت و آئین خلقت سرپیچی نموده، دچار سوانح شده و در کام طوفانها فرو رفته، و در بوته فراموشی قرار گرفته اند. اینها اثر وضعی فرورفتن در طغیان و عصیان است، اگرچه ظاهراً یکی سانحه و فاجعه چون زلزله، طاعون، وبا، جنگ و نظیر آنها، بهانه شده است. اگر صفحات تاریخ این درس را به ما می آموزد، ما چرا به خودمان دروغ بگوئیم و خود را گول بزنیم؟! چرا به ندای فطرت گوش ندهیم که از اعماق درون خود درمی یابیم که به ما می گوید:

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۱

«آیا خیال می کنید که ما شما را عبث آفریده ایم و شما به سوی ما بازخواهید گشت؟!»

چه کسی است که این پرسش را از اعماق مغز خود نشنود که: از کجا آمده ام؟! برای چه آمده ام؟! به کجا می روم؟! آیا این آمدن صرفاً برای خوردن و نوشیدن و بازی کردن در یک صحنه آزاد، و پشت سر هم آمدن شب و روز، و سپس مردن و نیست شدن و فراموش شدن می باشد؟!!

عقل سلیم که براساس اعتقاد به حقایق استوار باشد
 آنرا نمی پذیرد و می گوید: من هرگز عبث آفریده نشده ام!
 کسیکه این پاسخ را از اعماق دلش دریافت می کند، باید از
 قوانین طبیعت سرپیچی نکند، در رفتار خود تجدیدنظر
 نماید، هدف اساسی و علت غائی جهان آفرینش را مورد
 مطالعه دقیق قرار دهد، در تعیین سرنوشت خویش و دیگر
 انسانها دقت کند، تا در کشیده شدن انسانها به سوی
 منجلاب تباهی و هلاکت سهیم نباشد، و خود در درّه
 ضلالت سقوط نکند، پس از آنکه از مطالعه تاریخ امتهای در
 می یابد که طبیعت به کسیکه از آئین فطرت سرپیچی کند؛
 رحم نمی کند، و از کسیکه به حریم قوانین خلقت تجاوز
 کند؛ انتقام می گیرد، کجا رسد به کسیکه به حریم قوانین
 الهی تجاوز کند.

از سوی دیگر طبق نشانه هائی که در همین بخش
 می خوانیم، تردیدی نیست که ما اهل آخرالزمان هستیم و
 نشانه های آخرالزمان یکی پس از دیگری واقع شده و یا
 در شُرُف وقوع است. و اینک منتظر فرا رسیدن همه
 حوادثی هستیم که برای اهل آخرالزمان وعده داده شده
 است.





اشکال بزرگ ما اینست که از یک سو می پذیریم که ما اهل آخرالزمان هستیم، و از دیگر سو با تمام قدرت به سوی حوادث جانکاهی که برای مردم آخرالزمان نوید داده شده می شتابیم، درست مانند کسی که آتش فروزانی را می بیند و خود را به درون آن می افکند!

آری زمان، همان آخرالزمان است که رسول گرامی اسلام ﷺ و جانشینان معصوم آن بزرگوار وعده داده اند، و به هنگام ارشاد مردمان و کاشتن درخت ایمان در کشتزار دل آنان، به تناسبهای مختلف از آخرالزمان و مردمان آن سخن گفته اند و صفات آنها را آنچنان دقیق بیان کرده اند که امروز با مطالعه آنها هیچ تردیدی نداریم در اینکه ما اهل آخرالزمان هستیم و همه نویدهای معصومان در مورد عصر ماست. و اینک نمونه هائی از کلمات دُرِّبَارِ معصومین علیهم السلام :

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرٌّ مِنْهُ!»^۲

«هیچ زمانی پیش نمی آید جز اینکه زمان بعدی بدتر از

آنست.»

هنگامی که زمانها را در نظر می گیریم و دورانهائی را که پس از رحلت رسول اکرم ﷺ بر مسلمانان گذشته، مورد مطالعه قرار می دهیم، می بینیم که شرها از لحظه رحلت آن حضرت شروع شده است. به دنبال رحلت پیامبر اکرم ﷺ پیش از آنکه جسد مبارکش دفن شود، درخت فتنه جوانه زد و هر لحظه رشد و نمو کرد و هر روز و ماه و سال و قرنی که بر امت اسلامی می گذرد پایه های فتنه ها عمیق تر و شاخه های فتنه پُربارتر می گردد، باری تلختر از حنظل و سوزاننده تر از آتش! و امروز به اوج خود رسیده، ریشه همه نیکی ها را می سوزاند و در باغستان بشریت، شاخ و برگ نمی گذارد. و از اینجا در می یابیم که زمان ما بدترین زمانهاست، زیرا همه شرها به اوج خود رسیده است. و اینک زمانی است که رسول اکرم ﷺ در مقایسه زمان با زمان رسالت فرموده است:

«شما در زمانی هستید که اگر کسی یک دهم تکالیفش را انجام ندهد هلاک می شود، و به زودی زمانی فرا می رسد که اگر کسی یک دهم وظائفش را انجام بدهد نجات می یابد».



جای بسیار تأسّف است که آن یک دهم را نیز انجام ندهیم تا رهائی یابیم. بسیار تأسفبار است که ما مرد عمل نیستیم و اهل سخن هستیم، از زبانهای ما سخنانی شنیده می شود که با رفتارمان تطبیق نمی کند و اینها همان صفات بارز آخرالزمان است که رسول اکرم ﷺ چهارده قرن پیش فرموده است:

«برای مردم روزگاری فرا می رسد که تنها هم و غمّشان شکم آنها، شرف آنها تجملات زندگی آنها، قبله آنها همسرانشان، دین و آئین آنها درهم و دینارشان می باشد، آنها بدترین خلائق هستند، برای آنها در نزد خدا ارج و مقامی نیست.»^۲

آری همه صفات یاد شده در این حدیث، در عصر ما تحقق یافته، و اینک بزرگترین هم و غمّ مردم شکم آنها، شرف و آبروی آنها تجملات زندگی آنها، دین و آئین آنها درهم و دینارشان و بزرگترین آرزوی آنها تامین خواسته های همسرانشان می باشد.

«برای مردمان زمانی می رسد، که انسان میان ناتوانی و نابکاری مخیر می شود، هر کس چنین زمانی را درک کند، ناتوانی را بر فساد و تباهی برگزیند.»^۳

صالحان و نیکان عصر ما از کارهایی که دیگران انجام می دهند ناتوان نیستند، بلکه از فساد و تباهی گریزان هستند و نابخردان آنها را ناتوان می انگارند.

«باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه شریران بر شما مسلط خواهند شد و نیکان هر چه دعا کنند مستجاب نخواهد شد».^۵

این نیز تحقق یافته، از امر به معروف و نهی از منکر سرتافته ایم و شریران بر ما مسلط شده اند و دعاهای نیکان به استجابت نمی رسد. همه این گرفتاریها واکنش اعمال خودمان می باشد و خداوند به کسی ستم نمی کند.

«در آن زمان ربا شایع می شود، کارها با رشوه انجام می یابد، مقام و ارزش دین تنزل می نماید و دنیا در نظر آنها ارزش پیدا می کند».^۶

«برای مردم زمانی پیش می آید که احدی یافت نمی شود جز اینکه به ربا آلوده گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد».^۷

مگر نه اینست که سیستم بانکی در همه کشورهای اسلامی رائج شده، حتی علما و دانشمندانی که با ربا مبارزه می کنند، خود از رهگذر روابط اجتماعی و



اقتصادی با آن آلوده می شوند، و اینک اثر وضعی شیوع ربا و رشوه:

«هیچ قومی نیست که ربا در میان آنها شایع شود، جز اینکه دچار غفلت و بی خبری می شوند. و هیچ قومی نیست که رشوه در میان آنها رایج شود جز اینکه دچار ترس و وحشت می شوند.»^۸

با فراگیر شدن سیستم منحوس بانک داری تمام امتهای اسلامی در خواب غفلت فرورفته اند، و با شیوع رشوه خواری ترس و اضطراب و دلهره و وحشت در تمام اقطار و اکناف زمین حاکم گشته است.

«خوشبخت ترین مردم در دنیا افراد پست و نادان خواهند بود، که به خدا و رسول ﷺ ایمان نخواهند داشت.»^۹

آری نابخردان در ناز و نعمت فرورفته، در آرامش خرگوشی فروخفته اند خردداران اندیشمند هرگز آسایش و آرامشی ندارند. اثر وضعی این زندگی که پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«صالحان یکی پس از دیگری دیده فروبندد و دیگر نشانه ای از صالحان باقی نباشد جز به مقدار تفاله خرما و نخاله جو، دیگر خداوند اعتنائی به آنها نمی کند.»^{۱۰}



با کمال تأسّف این نشانه ها نیز تحقق یافته و به اثر وضعی آن دچار گشته، دیگر خداوند اعتنائی به ما ندارد، وگرنه قسمتی از این گرفتاریها را از ما دور می کرد.

«زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون آنها پلید می شود ولی ظواهر آنها به طمع دنیا آراسته می گردد، به آنچه در پیشگاه خداوندی است دل نمی بندند، کارشان ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آنها را به عذابی فراگیر دچار سازد، آنها خداوند را همچون آدم غریق (کسیکه در آب غرق می شود) می خوانند و خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند.»^{۱۱}

«اولین چیزی که از این امت برداشته می شود حیا و امانت است.»^{۱۲}

سلام بر حیا و امانت هنگامی که در میان این امت زنده بودند، و درود بر آنها هنگامی که از میان این امت رخت بر بستند.

«هنگامی که روابط نامشروع شیوع پیدا کند زلزله زیاد می شود، هنگامی که زمامداران ستم پیشه کنند باران کم می بارد، و هنگامی که با اهل نمّه (اهل کتاب که در پناه



اسلام باشند = اقلیتهای مذهبی) با مکر و حيله رفتار شود دشمن چیره گردد».^{۱۳}

«انسان در حال ایمان صبح می کند و در حال کفر روز را به شب می رساند و انسان در حال ایمان شب می کند و در حال کفر صبح می کند، دین خود را به متاعی اندک از حطام دنیا می فروشد».^{۱۴}

امام صادق علیه السلام :

«در پیشقدم ظهور، فتنه هائی چون تیرگیهای شب فروریزد، انسان اول صبح مومن می باشد و آخر روز ایمانش را از دست می دهد، اول شب مومن است و تا پایان شب ایمانش از او گرفته می شود. اقوامی از مردم دین خود را به چیزی اندک از متاع زودگذر دنیا می فروشند».

این حدیث دقیقاً با نسل جوان امروزی منطبق است که از دین و آئین روی برتافته، به احزاب و مکتبهای سیاسی روی آورده، صبح در حزبی و عصر در حزبی دیگر ثبت نام می کنند، امروز در یک خط و فردا در خطی دیگر گام می سپارند، صبح در مکتبی و عصر در مکتبی دیگر تلاش می کنند.



امام باقر علیه السلام:

«یکی از شما صبح می کند در حالیکه پیرو راه و آئین ما دیده می شود، و شب می کند در حالیکه از آئین ما بیرون رفته است. یا اول شب در آئین ما می باشد و صبح از آن خارج می شود».^{۱۵}

امام جواد علیه السلام:

«پیش از آن روز موعود فتنه جانکاهی است که انسان در حال ایمان شب می کند و در حال کفر صبح می کند، یا در حال ایمان صبح کرده، در حال کفر شب می کند. هر کس چنین زمانی را درک کند گلیمی از گلیمهای خانه اش باشد».^{۱۶}

منظور امام علیه السلام اینست که در چنین زمانی در خانه های خود پابرجا باشید و وارد این فتنه ها نشوید.

امام صادق علیه السلام:

«هنگامی که چنین زمانی فرا رسد، گلیم خانه خود باشید تا خداوند امام غائب، غریب و فراری را که پاکیزه و





پسر پاکیزه است، ظاهر سازد. هر کس فتنه ای به پا کند، خود گرفتار همان فتنه گردد. هر وقت برای هدفی شما را مورد هجوم قرار دهند خداوند برای آنها حادثه ای پدید آورد که سرشان آنجا گرم شود و از شما بازمانند.»^{۱۷}

آنگاه رسول اکرم ﷺ در ادامه علایم آخرالزمان میفرماید:

«به راستی این امت به اموال خود گرویده، با دین خود بر پروردگارشان منت نهاده، به رحمت او امیدوار و از خشم او در امان بوده، با شبهه های دروغین و وسوسه های خلاف، پای در حریم محرمات می گذارند: مشروب را به نام نبیذ، رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام داد و ستد، حلال پنداشته؛ می خورند.»^{۱۹}

و اینها حوادث تلخ روزگار ماست که پول را به جای معبود می پرستند و با نماز و روزه بر خدای منت می نهند و انواع محرمات را با تحلیلهای غلط خود مرتکب می شوند.

«هنگامی که ستم و تباهی فراوان شود، منکر آشکار گردد، امت من امر به منکر و نهی از معروف کنند، امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کنند.»^{۲۰}

«هنگامی که مردم به دروغ گوش فرا دهند، حرام و رشوه بخورند، ربا را جایز بشمارند، شراب و قمار و لهو و لعب را حلال بدانند...»^{۲۱}

درست آنچنانکه ما هستیم و در جامعه ما حکمفرماست که حتی مراسم مذهبی نیز با لهو و لعب آمیخته است!

«هنگامی که مردم برای کارهای ناشایست تعاون و همکاری کنند، و در احکام مذهبی از یکدیگر دوری جویند، برای دروغ همدیگر را دوست بدارند و برای راستگوئی از یکدیگر قهر کنند، ... اگر اینها واقع شود، اولاد عاق والدین می شود، باران کمتر و در غیر موقع می بارد، لئیمان هر لحظه در افزایش و کریمان هر لحظه کاهش می یابند»!

«اهل آن زمان همچون گرگ می باشند و پادشاهان آنها همچون درندگان وحشی، فقیران آنها همچون مردگان و طبقه متوسط آنها مرده خوارند»^{۲۲}

«راستی و درستی کمیاب می شود، دروغ همه جا را فرا می گیرد، دوستی و صمیمیت به سر زبانها اختصاص می یابد و در اعماق دل همه با یکدیگر خصومت می ورزند،



کارهای نامشروع مایه مباحثات شده، عفت و خویشتن داری موجب اعجاب و شگفت می شود، اسلام وارونه می گردد همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود».^{۲۳}

چه کسی از مسلمانان یافت می شود که اسلام را پوستین وارونه نپوشانیده باشد؟! هر کسی اسلام را به دلخواه تفسیر و تحلیل می کند، قاضی اسلامی در مسند رسول اکرم ﷺ نشسته، احکام و قضاوت‌های آن حضرت را زیر پا می گذارد، و به جای تشخیص حق، به سوی رشوه روی می کند و براساس رشوه داوری می کند و از نشستن بر سر سفره شراب دوری نمی گزیند، رجال دین به جای شب زنده داری، به مجالس شب نشینی روی می آورند، به جای مطالعه و مباحثه، به فیلمهای سینمایی و صفحات تلویزیون خیره می شوند، به جای موشکافی در مشکلات علمی، به بحث و بررسی آثار هنری و شرح حال هنرمندان می پردازند، متدینین به ریا و تظاهر پرستش می کنند، ثروتمندان از مکیدن خون بی نوایان سیر نمی شوند، مستمندان با یک دنیا کینه و عداوت به ثروتمندان می نگرند، و هر طبقه ای از طبقات مسلمین شریعت اسلامی را



دگرگون ساخته اند همچون پوستینی که وارونه پوشیده شود. اینجاست که پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«هنگامی که حریمها مورد تجاوز واقع شود، گناهان علمی گردد، اشرار بر نیکان مسلط شوند، دروغ شایع گردد و مردم به جامه های خود مباحثات کنند».^{۲۴}

«هنگامی که بعد از من فحشاء و منکر رواج پیدا کند، مرگهای ناگهانی فراوان شود و کم فروشی رائج گردد، خداوند آنها را با قحطی و گرسنگی گرفتار سازد. هنگامی که زکات داده نشود، زمین برکتهای خود را از معدن و میوه و زراعت منع می کند. هنگامی که زمامداران ستمگری پیشه کنند، آنها خود بر ظلم و تجاوز همکاری کنند. هنگامی که پیمانها را بشکنند، خداوند دشمن را بر آنها چیره کند. و هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند ثروتها در دست اشرار قرار می گیرد».^{۲۵}

امروز ثروت مسلمانان در دست اشرار است، اموال نقدی آنها در بانکهای خارج، طلای سیاه آنها به دست غربی ها پالایش شده، در کارگاههای آنها تبدیل به اسلحه شده، به دست مسلمانان برگشته، به دست آنها بر سر یکدیگر فرو می ریزد.



در حدیث دیگری از رسول اکرم ﷺ نقل شده که: «هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر و پیروی نیکان از اهل بیت من، ترک شود، خداوند اشرار را بر آنها مسلط می گرداند». و امروز در همه سرزمینهای اسلامی اشرار بر آنها مسلط شده است و آن، نوعی انتقام حضرت پروردگار به دست اشرار خلق است.

«و می بینی که عاق والدین بودن رواج یافته، پدر و مادر سبک شمرده می شوند».^{۲۶}

«انسان را با تنگدستی و ضیق معیشت سرزنش می کنند و او را به چیزی که توانش را ندارد وادار می سازند، تا او را به راهی که برگشت ندارد وارد کرده، به هلاکت بیندازند».^{۲۷}

«انسان به پدر و مادرش جفا کرده، با دوستانش از راه وفا و صفا وارد می شود».^{۲۸}

«فرزند به پدرش تهمت می زند، بر پدر و مادرش نفرین می کند و از مرگ آنها مسرور می شود».^{۲۹}

«مرد به برادرش حسد ورزیده، به پدرش دشنام می دهد و با شریکان از راه خیانت وارد می شود».^{۳۰}

با کمال تأسّف همه این صفات نکوهیده در میان ما رواج یافته است.

«هنگامی که پیوند خویشاوندی قطع شود، برای اطعام منت گذارند، مرحمت از دل بزرگان رخت بر بندد و حیاء از روی کوچکان گرفته شود».^{۳۱}

«هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می یابد، اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان، و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگانش».^{۳۲}

«هنگامی که روابط نامشروع علنی شود، گناه، بهتان و مرزنشناسی آشکار گردد، اشرار مورد احترام قرار گیرند...»^{۳۳}

«هنگامی که تکبر و خودپرستی در اعماق دلها نفوذ کرد، انسان که سمومات در بدنها نفوذ می کنند، گناهها علنی شد و محرّمات الهی سبک شمرده شد».^{۳۴}

«نشانه آن هنگامی است که مردم نماز را بمیرانند، امانت را ضایع گردانند، دروغ را جایز بشمارند، رباخواری کنند، رشوه بگیرند، بناها را محکم و مرتفع بسازند، دین را



برای دنیا بفروشند، سفیهان را به کار بگیرند، با زنها مشورت کنند، قطع رحم نمایند، از هوای نفس پیروی کنند، خونها را سبک بشمارند، شهادتهای دروغ آشکار شود، فحشاء معمول گردد، گناه، بهتان و مرزشکنی رائج شود».^{۳۵}

«در معاملات ربا بگیرند، به عمل نامشروع تظاهر کنند، دروغ را جایز بشمارند و از هوای نفس پیروی کنند».^{۳۶}
درست همانند مردم زمان ما!

«و آن هنگامی است که هر سال بیش از سالهای پیش، بدعت و شرّ احداث گردد».^{۳۷}

«در آستانه ظهور قائم علیه السلام سالهای فریبنده ایست. در آن سالها راستگو تکذیب می شود و دروغگو تصدیق می شود، افراد حيله گر مقرب و محترم می شوند، و اشخاص پست و فاقد صلاحیت سخنگو می گردند».^{۳۸}

آیا این روزها را در پیش رو نداریم؟! مگر در زمان ما دروغگویان مورد تصدیق و راستگویان مورد تکذیب نمی باشند؟!

«هنگامی که باطل پابرجا شود، جهالت بر سریر قدرت بنشیند، و زنگ باطل پس از یکدوره سکوت به صدا درآید، مردم برای کارهای ناشایست دست برادری به یکدیگر بدهند، در مورد امور دینی از یکدیگر دوری بجویند، برای دروغ دوستی کنند و به جهت راستگوئی دشمنی بورزند».^{۳۹}

تنها زمانی که زنگ باطل ساکت بود مدت چهار سال و اندی در عهد خلافت مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام بود و پس از شهادت آن حضرت همواره زنگ باطل به صدا درآمده و تلاش برای اقامه باطل آغاز شده و همواره ادامه دارد، تا تداوم بخش حکومت علی علیه السلام ظهور کند و باطل را از ریشه و بن برکند. انشاء الله.

«اهل آن زمان گرگ، پادشاهان آنها درنده، مردم متوسط آنها خورنده و بی نوایان آنها چون مردگان افسرده باشند».^{۴۰}

«جوانان غنا و مشروبات را حلال می شمارند».^{۴۱}

«با شرب خمر مباحات نموده، در مساجد نی و بربط زنند و کسی بر آنها اعتراض نکند، کافرزاده ها در آن زمان

بزرگ شمرده می شوند و سفیهان زمام قوم را برعهده بگیرند».^{۴۲}

مسجد اقصی مرکز لهو و لعب شده، کافرزاده ها بر سرزمین مقدسی چون فلسطین حکومت می کنند، در دیگر مساجد نیز به عناوین مختلف لهو و لعب و موسیقی پخش می شود و بدینگونه فرمایش امام بزرگوار تحقق یافته است.

«و می بینی که پادشاه مواد غذائی را احتکار می کند».^{۴۳}
چنانکه زمامداران امروزی خرید و فروش گندم را به خود اختصاص داده، آنرا انبار کرده، طبق موازین خاصی به نانوائیها، قنادیها و غیره توزیع می کنند.

«آدم مستمند در میان آنها خوار و زبون است، شخص با ایمان در نزد آنها ضعیف و حقیر است، فرد با فضیلت در چشم آنها پست و بی مقدار است، ولی در مقابل شخص فاسق محترم و فرد ستمگر مورد تعظیم و احترام است. ضعیف در میان آنها پایمال و قوی در نزد آنها صاحب اختیار است».^{۴۴}

«در آن زمان حدود و قوانین الهی که بر پیامبرش محمد ﷺ نازل کرده، از بین می رود، گفته می شود: فلانی



چنین گفته! رأی فلانی چنین است! تابع آراء و عقاید دیگران می شوند و سنت پیامبر ﷺ را ترک می کنند، در آن زمان مشروبات به نامهای دیگر رایج می شود، در مجالس شراب، ساز و آواز، نرد و شطرنج، غنا و موسیقی معمول می گردد و ظرفهای طلا و نقره رواج می یابد».^{۴۵}

دیدگان نافذ امیر مومنان علیه السلام از پشت چهارده قرن فاصله زمانی، عصر ما را دقیقاً مشاهده کرده، مجالس رقص و شرب امروز را آنچنانکه امروز معمول است توصیف کرده است! و اینجاست که حجت بر شیعیان آن حضرت تمام است، آنها نباید از شرق و غرب پیروی کنند، آنها نباید به این و آن بگرایند، آنها نباید به یکی از دو بلوک شرق و غرب بپیوندند، آنها نباید تصور کنند که بدون تکیه به یکی از دو ابر قدرت نمی توانند روی پای خود بایستند! این ما هستیم که نتوانسته ایم مسلمان واقعی باشیم، این مائیم که خود را با تعالیم حیاتبخش اسلام تطبیق نکرده ایم. اگر ما مسلمان باشیم و قوانین اقتصادی اسلام را پیاده کنیم دیگر دو بلوک شرق و غرب برای نسل جوان جذبه ای نخواهد داشت، زیرا اسلام نیازمندیهای تمام مستمندان، سالخوردهگان، زمین گیرها و دیگر نیازمندان را



منظور کرده، ۲۰ درصد سود خالص ثروتمندان را تحت عنوان «خمس» و قسمتی از ثروت ثابت آنها را تحت عنوان «زکات» به تأمین نیازمندیها اختصاص داده است. اگر این قوانین پیاده شود هرگز نیازمندی در سراسر جهان اسلام یافت نمی شود.

«مردم آن سان که دسته دسته وارد اسلام شده اند، دسته دسته از دین خدا خارج می شوند».^{۴۶}

«مردم از دین خدا دسته دسته بیرون می روند، آنچنانکه دسته دسته به آن داخل شده اند».^{۴۷}

امروز هر بانگی از حلقومی برمی آید و مردم را به سوی مکتبی فرا می خواند، دسته دسته مردم به سوی او روی می آورند و از آئین باستانی خود دست می شویند، مگر اینکه به سوی آئین حق دعوت کند، در این صورت توجهی به او و محتوای دعوت او نمی شود و به ویژه اگر به سوی امام غائب دعوت کند که مثل او در این زمان مثل حضرت نوح است که هر چه بیشتر دعوت کند مردم بیشتر فرار می کنند، از اینجاست که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«او هنگامی ظهور می کند که مردم دیگر نومید شوند و

بگویند: مهدی نیست!!»^{۴۸}



پس از نومیدی و بدگمانی مردم، دیگر چه باید کرد؟ مگر می توان از مقدرات فرار کرد؟! از تقدیرات الهی کجا باید فرار کرد و پناه برد؟! امیرمومنان که بهتر از همه مردم آخرالزمان را شناخته است چنین می فرماید:

«شیطان در نسوج بدنشان شرکت جسته، با خونشان آمیخته، همراه خون در شریانهایشان حرکت می کند، همواره آنها را به تهمت و افترا تشویق می کند، تا فتنه ها افق شهرها را فرا گیرد، مومن بینوائی که دوستدار ما باشد می گوید: من از مستضعفان هستم، و بهترین مردم در آن روزگار کسی است که مواظب خود باشد و در خانه خود، خویشان را از معاشرت مردم بازدارد».^{۴۹}

امیدوارم خواننده عزیز با توجه به این حدیث شریف از بهترین مردم روزگار باشد و از فرمان مولایش امیرمومنان علیه السلام پیروی کند.

امام باقر علیه السلام :

«او ظاهر نمی شود مگر پس از آنکه زمانه سخت دشوار باشد، برادران ستم کنند و زمامداران ستمگری پیشه سازند».^{۵۰}





«چگونه ممکن است هم اکنون ظاهر شود در حالیکه هنوز زمانه سخت نشده (کارد به استخوان نرسیده)، برادران ستم نکرده اند و سلاطین ستمگری پیشه نساخته اند».^{۵۱}

و اینک کارد به استخوان رسیده، برادران ستم پیشه کرده اند و سلاطین در خیانت و جنایت حد و مرزی نمی شناسند.

«هنگامی که بیعت کودک آشکار شود هر مسلحی اسلحه به دست می گیرد».^{۵۲}

و امروز کودکان حکومت می کنند و هر صاحب سلاحی، سلاح به دست گرفته، و همه آنچه در احادیث فوق اشاره شده، تحقق یافته است.

«هنگامی که مومن تحقیر شود و منافق عزیز باشد و فرد با ایمان از کنیز هم زبون تر گردد».^{۵۳}

«او ظاهر نمی شود جز بعد از فتنه ای که همه محارم الهی جایز شمرده شود، آنگاه خلافت به سوی او می شتابد هنگامی که او در خانه اش (مسجد الحرام) نشسته باشد. و او بهترین اهل زمین است».^{۵۴}

امام صادق علیه السلام می فرماید:

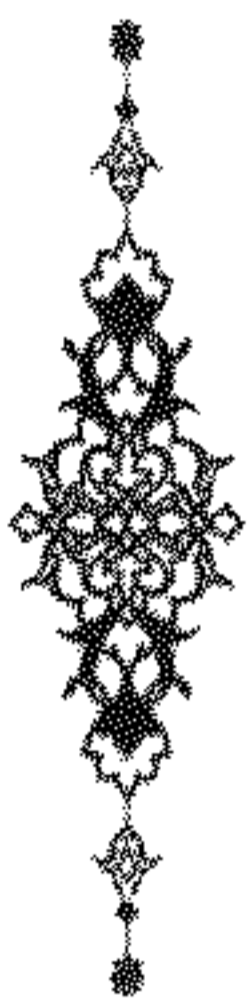
«او به هنگام دگرگونی شهرها، زیبونی بندگان و به هنگام نومیدی مردم از فرج، ظاهر می شود».^{۵۵}
همه جا دگرگون شده، بندگان خدا خوار و زبون گشته، کایوس یأس و نومیدی بر دلهای بسیاری از مردمان سنگینی می کند.

«همسایه به همسایه اش آزار و اذیت می کند و کسی جلوگیری نمی کند».^{۵۶}

«همسایه را می بینی که همسایه اش را اذیت می کند و همسایه از زبان او وحشت دارد».^{۵۷}

در این زمان هیچ همسایه ای از زبان همسایه اش درامان نیست، زیرا جاسوسی و گزارش دادن به رژیمهای ستمگر را عبادت می پندارند، با اینکه صریحاً در قرآن کریم از آن نهی شده است.

«دلها را قساوت می گیرد، زمین پُر از ستم می شود، کشتار به قدری فراوان می شود که مادران از آوردن اولاد غمگین می شوند و زنان عقیم از نازائی خود خوشحال می



گردند. در آستانه ظهور او فتنه سختی است که برای اهل باطل امتحان بزرگ و انتقام خداوندی است».^{۵۸}

بسیار طبیعی است که به هنگام فراوانی کشت و کشتار صاحبان اولاد از داشتن اولاد غمگین و محزون می شوند و زندهای عقیم تسلی می یابند و از نازائی خود خوشوقت و خوشحال می باشند.

«هنگامی که ببینی که شرّ آشکار گشته، کسی از آن باز نمی دارد، و مردم برای یکدیگر عذر می تراشند. و ببینی که مومن به سکوت گرویده، سخنش پذیرفته نمی شود، اما فاسق دروغ و تهمت را به هم آمیخته و کسی اعتراض نمی کند».^{۵۹}

«ثروتمند از مومن گرامی تر می شود، مومن زبون، منافق عزیز، فقیر پست، دانشمند بی مقدار، فاسق محترم و ستمگر پُر ارج می شود».^{۶۰}

«مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنها را ببیند دچار شگف می شود، ولی چون با آنها معاشرت کند مورد ستم قرار می گیرد».^{۶۱}



هرگز ظاهری اراسته تر از ظاهر مردم عصر ما و باطنی پوسیده تر از باطن مردم این زمان دیده نشده است. ولی هر کس ظاهر ما را ببیند و حسن ظن پیدا کند به زودی پشیمان می شود و به سختی ناتوان حسن ظن خود را می پردازد.

«هنگامی که ببینی آدم مست برای مردم نماز می گزارد و کسی به مستی او اعتراض نمی کند و آنرا عیب نمی شمارد، چون مست شود مردم او را احترام کنند، از شر او هراسناک باشند ولی او را ترک کنند و به سبب مست بودنش او را معذور بدانند».^{۶۲}

برای فساد اخلاق و تباهی عفت عمومی چیزی موثرتر از مشروبات الکلی نیست، سطح جامعه را پائین می آورد و انسان را در سرایشی سقوط قرار می دهد، چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خمر سرآغاز هر گناه و کلید هر شری است».^{۶۳}

در روایات آمده است:

«خداوند برای هر شری قفلی قرار داده، کلید همه این

قفلهای شراب است».

«برای خداوند با معصیتی بزرگتر از شراب نافرمانی نشده است، زیرا در اثر مشروب خواری انسان نمازش را ترک می کند و ندانسته به حریم مادر، خواهر و دخترش تجاوز می کند»!!

«خمر جنبه داروئی پیدا می کند؛ برای بیماران توصیه می شود و بیماران به قصد شفا و بهبودی به آن اقدام می کنند».^{۶۴}

«و می بینی که مشروب را به طور علنی می خورند، افرادی که از خدا تقوی نمی کنند بر گرد آن اجتماع می کنند و دوستانشان را برای شرب خمر دعوت می کنند».^{۶۵}

«مردم آن زمان را می بینی که در حال نشئه شب می کنند و در حال مستی صبح می کنند، و دیگر اهمیت نمی دهند که دیگران چه حالی دارند».^{۶۶}

«و آن هنگامی خواهد بود که بیننده چون مومن را ببیند که چگونه به زحمت و مشقت افتاده، به خدا پناه می برد، چون کافران وضع تأسفبار مومنین را ببینند شادمان می شوند، و از مشاهده فساد و تباهی جهان در پوست



نمی گنجند، و می بینی که امر به معروف کننده ذیل و
زبونست».^{۶۷}

«پادشاهان شخص باایمان را به خاطر کافر خوار
سازند».^{۶۸}

«پادشاهان مواد غذایی را احتکار می کنند، کم فروشی،
تقلب و تزویر رائج می شود، مشروبات شیوع پیدا می کند
و در بازارها علنی فروخته می شود».^{۶۹}

«همّ و غمّ مردم به تأمین خواسته های شکم و
زیرشکم انحصار می یابد، دیگر اهمیت نمی دهند که آنچه
می خورند حلال است یا حرام؟ و آنچه رابطه برقرار می
کنند مشروع است یا نامشروع؟!».^{۷۰}

دقیقاً همچون عصر ما!

«و آن حادثه پرشکوه برای بدترین مردمان پیش می آید».^{۷۱}
ای مصلح جهانی دیگر منتظر چه هستی؟! مگر تو نیز
در حق ما حُسن ظنّ داری و ما را از بدترین مردمان به
شمار نمی آوری؟! تو که از اعمال ما آگاهی و ما را بهتر از
خود ما می شناسی!



امام رضا علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که نیازها و گرفتاریها فراوان شود، مردم همدیگر را شناسند، انسان برای استمداد به نزد برادرش برود و او را در قیافه دیگری جز آنچه هست بیابد و با او با لحن دیگری سخن بگوید».^{۷۲}

از امام باقر علیه السلام و از جناب محمد حنفیه (پسر گرامی امیرمومنان علیه السلام) به تعبیر زیر نقل شده است:

«هنگامی که نیازها فراوان شود، مردم همدیگر را شناسند، انسان برای استمداد به برادرش مراجعه کند، ولی برادرش به غیر آنچه همواره نگاه می کرد به او نگاه کند، و به جز آنچه همواره با او سخن می گفت، با وی سخن بگوید، در چنین زمانی منتظر فرج ما باشید».^{۷۳}

آری وقت آن رسیده است که ما در انتظار فرج قائم آل محمد علیهم السلام دقیقه شماری کنیم، دیگر نیازها و نیازمندیها مرتفع گردد و صلح و صفا و بی نیازی بر پهنه گیتی حکمفرما شود و ما بگوئیم: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.



مدارك :

- ١- مومنون: ١١٥
- ٢- صحيح بخارى، جلد ٣ صفحه ٤٩
- ٣- منتخب الاثر صفحه ٤٣٨
- ٤- نهج الفصاحه، جلد ٢ صفحه ٣٧٢
- ٥- نهج الفصاحه، جلد ٢ صفحه ٤٧٠
- ٦- بشاره الاسلام صفحه ٢٦
- ٧- نهج الفصاحه، جلد ٢ صفحه ٥٠٠
- ٨- نهج الفصاحه، جلد ٢ صفحه ٥٥٧
- ٩- نهج الفصاحه، جلد ٢ صفحه ٥٠٠ و ٥١٧
- ١٠- نهج الفصاحه، جلد ٢ صفحه ٦٤٦
- ١١- منتخب الاثر صفحه ٤٢٦
- ١٢- نهج الفصاحه، جلد ١ صفحه ١٩٧
- ١٣- نهج الفصاحه، جلد ١ صفحه ٤٢
- ١٤- نهج الفصاحه، جلد ١ صفحه ٢١٦ و جلد ٢ صفحه ٥١٠
- ١٥- بحار الانوار، جلد ٥٢ صفحه ١٠١
- ١٦- منتخب الاثر صفحه ٤٣٧
- ١٧- بحار الانوار، جلد ٥٢ صفحه ١٣٨
- ١٨- بحار الانوار، جلد ٥٢ صفحه ١٣٩
- ١٩- الامام المهدي صفحه ١٥٨
- ٢٠- الزام الناصب صفحه ٦٤ و ١٨٢
- ٢١- بشاره الاسلام صفحه ٧٥
- ٢٢- منتخب الاثر صفحه ٤٣٧
- ٢٣- منتخب الاثر صفحه ٤٣٧



- ٢٤- الزام الناصب صفحه ١٨٢
- ٢٥- تحف العقول صفحه ٤٣
- ٢٦- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٩
- ٢٧- منتخب الاثر صفحه ٤٣٨
- ٢٨- الزام الناصب صفحه ١٨٢
- ٢٩- بحار الانوار، جلد ٥٢ صفحه ٢٥٩
- ٣٠- بحار الانوار، جلد ٥٢ صفحه ٢٦٣
- ٣١- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٦٣، ٢٥٦ و ٢٦٣
- ٣٢- كشكول شيخ بهائي صفحه ٥٨٠
- ٣٣- الامام المهدي صفحه ٢١٩
- ٣٤- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٦٤
- ٣٥- الزام الناصب صفحه ١٨٠
- ٣٦- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٧
- ٣٧- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٩
- ٣٨- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٤٥
- ٣٩- نهج البلاغه صبحي صالح صفحه ١٥٧
- ٤٠- بشاره الاسلام صفحه ٧٦
- ٤١- الزام الناصب صفحه ١٩٥
- ٤٢- الزام الناصب صفحه ١٨٤
- ٤٣- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٦
- ٤٤- الزام الناصب صفحه ١٩٥
- ٤٥- بشاره الاسلام صفحه ٢٧ و ٧٦
- ٤٦- الملاحم و الفتن صفحه ١٠٨
- ٤٧- همان مدرک صفحه ١٤٤
- ٤٨- الحاوي للفتاوى جلد ٢ صفحه ١٥٢



- ٤٩- الزام الناصب صفحه ١٩٧
 ٥٠- بشاره الاسلام صفحه ١٨٠
 ٥١- منتخب الاثر صفحه ٤٤١
 ٥٢- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٤٤
 ٥٣- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٧
 ٥٤- بشاره الاسلام صفحه ١٣٣
 ٥٥- بشاره الاسلام صفحه ٢٧٨
 ٥٦- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٦٣
 ٥٧- الزام الناصب صفحه ١٨٣
 ٥٨- منتخب الاثر صفحه ٣٤٨
 ٥٩- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٦
 ٦٠- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٦٤
 ٦١- بشاره الاسلام صفحه ٧٥
 ٦٢- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٦٠
 ٦٣- مسند احمد حنبل جلد ٢ صفحه ٤١٨
 ٦٤- الزام الناصب صفحه ١٨٤
 ٦٥- بشاره الاسلام صفحه ٢٥
 ٦٦- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٨
 ٦٧- بشاره الاسلام صفحه ١٣٢
 ٦٨- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٨
 ٦٩- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٥٦
 ٧٠- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٦٠
 ٧١- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٩٣
 ٧٢- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ١٨٥
 ٧٣- بحار الانوار جلد ٥٢ صفحه ٢٧٠



«نیایش»

خداوندا، ما را توفیق طاعت، دوری از معصیت ،
درستی در نیت و حقیقت معرفت عنایت فرما!
زبان ما را به صواب و حکمت جاری فرما، دیدگان ما را
از خیانت، و گوشهای ما را از شنیدن بیهوده و غیبت
باز دار! دانشمندان ما را به زهدورزی و نصیحت،
دانشجویان را به دانش اندوزی و رغبت ، شنوندگان
ما را به گوش دادن و متابعت ، بیماران ما را بشفا و
صحت و درگذشتگان ما را به لطف و مرحمت و پیران
را به وقار و مهابت و جوانها را به توبه و انابت و زنها
را به حیا و عفت و توانمندان را به فروتنی و وسعت
و بیچارگان را به صبر و قناعت روزی فرما .

«(آمین یا رب العالمین)»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) :

« هر کس با دوستی آل محمد بمیرد شهید مرده است.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد آمرزیده شده مرده است.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد توبه کننده مرده است.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد مومنی که دارای ایمان کاملی است مرده است.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد ملک الموت و بعد از او منکر و نکیر او را به بهشت بشارت دهند.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد آرایش داده می شود مانند عروسی که آرایش داده شده به خانه شوهرش میرود او را به سوی بهشت می برند.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد ، دو درب از سوی بهشت به قبرش گشوده می شود.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد خداوند متعال قبر او را زیارتگاه ملائکه رحمت قرار می دهد.

« آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد بر روش سنت پیامبر و جماعت مسلمانان مرده است.

« آگاه باشید: هر کس با دشمنی آل محمد بمیرد در روز قیامت محشور می شود در حالیکه میان دو چشمش نوشته شده از رحمت خدا محروم است

« آگاه باشید: هر کس با دشمنی آل محمد بمیرد کافر مرده است.

« آگاه باشید: هر کس با دشمنی آل محمد بمیرد بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید.

آورده ها: الزمخشری فی الکشاف ، و الفخر الرازی فی التفسیر الکبیر، و القرطبی فی تفسیر الجامع لاحکام القرآن.



تالیفات مؤلف

شماره	عنوان	شماره	عنوان
۱	فضیلت زیارت حضرت امام حسین (ع)	۲۸	اسراف یا اعتدال
۲	فضیلت زیارت حضرت امام هشتم (ع)	۲۹	حجاب و حیا
۳	فضیلت علم	۳۰	کم خوری
۴	کریمه اهل بیت (ع)	۳۱	ربا در اسلام
۵	شمه ای از وظایف همسران نسبت به یکدیگر	۳۲	ضیافت ، مهمان نوازی در اسلام
۶	غیبت	۳۳	سکوت
۷	قندنامه	۳۴	آداب غذا خوردن در اسلام
۸	حرمت موسیقی	۳۵	۵ میوه شفا بخش (جلد ۱) :
۹	نماز	۳۶	۵ میوه شفا بخش (جلد ۲) :
۱۰	سیاه دانه	۳۷	قرض الحسنه
۱۱	ولیعصر (عج) در خطبه غدیر	۳۸	دروغ - کلید پلیدیها
۱۲	فضیلت صلوات	۳۹	امانت یا خیانت
۱۳	دعا	۴۰	تواضع و فروتنی
۱۴	چهل حدیث نبوی (ص) چهل حکمت علوی (ع)	۴۱	حرمت شراب در اسلام
۱۵	حضرت علی (ع) به روایت اهل سنت	۴۲	حق همسایه
۱۶	حضرت زهرا (س) به روایت اهل سنت	۴۳	فناعت
۱۷	حضرت امام حسن مجتبی (ع) به روایت اهل سنت	۴۴	شیطان در لسان قرآن و روایات
۱۸	حضرت امام حسین (ع) به روایت اهل سنت	۴۵	مردم آخر الزمان
۱۹	سخنان گهربار امام زمان (عج ...)	۴۶	مردان و زنان آخر الزمان
۲۰	شفاعت چیست ؟ شفیع کیست ؟	۴۷	آموزه های آمیزشی در اسلام
۲۱	حضرت ابوطالب مؤمن و سرور قریش به روایت اهل سنت	۴۸	حقوق والدین
۲۲	دوستیابی - دوستی با مردم دانا نکوست	۴۹	مضرات طلاق
۲۳	چهل حدیث در فضیلت سنت ازدواج	۵۰	روزه
۲۴	اخلاق پسندیده	۵۱	امامت
۲۵	حضرت مهدی (عج..) در سیمای انبیاء	۵۲	تکبر
۲۶	شکر گزاری	۵۳	سلام علیکم - درود بهشتیان
۲۷	صبر	۵۴	علم قرآن نزد کیست ؟